



اطلاعیه توضیحی
مجاهدین خلق ایران

درباره هجوماهای اخیر پاسداران به اعضاء و ساختمان
مجاهدین خلق

بیام خدا
بیام خلق قهرمان ایران
بازمان مجاهدین خلق ایران بیرو اخبار کوهانی که دورور در
رابطه با حمله مسلحانه پاسداران به ساختمان و جردن از اعضاء
بجهدرفصحه ۴

سال اول - شماره ۱۵ - دوشنبه ۲۶ آذرماه ۱۳۵۸ - نكشانه ۱۵ رسال

چه کسانی طراح حمله به مراکز

مجاهدین هستند؟



پاسداران کینه افلائی
اسلامی است که به مجاهدین
میلوکشی کند پاسداران
.....؟؟

سحنه ای از تیراندازی پاسداران گسته در تهاجم به امداد پزشکی مجاهدین
تفاوت نیروهای افلائی از ارتجاعی در نحوه اسفاده آنها از سلاح است.

هنگ پیوند عمقی با مبارزه متحد ضد
امپریالیستی خلق ندارند. این نیروها
از آغاز، درگیری و مبارزه با نیروهای
افلائی را در صدر برنامه شان قرار
داده بودند. همین دلیل جای نسج
امکانات مادی و معنوی خلق در جهت
مبارزه با امریکا - بیت المال را (که
انظافا - به دلیل برخورداری از مواضع
قدرت در دستشان بود) ناجوانمرد -
دانه صرف اعلامیه پراکنی و دروغ -
پردازی بر علیه نیروها و سازمانهای
افلائی میگردد. و بدینسان انرژیها
مبارزه با امریکا - بیت المال را در جهت
انقلابی میگردند. و با سرهای
دانه صرف اعلامیه پراکنی و دروغ -
این احزاب به هیچ وجه از اوکیوری
مبارزه ضد امپریالیستی خشنود نبوده
و نسبتند و به همین دلیل دیده شد
پس از اقدام مخوفانه دانشجوین پیرو
خط امام ناگهان سرفهای سلیمانان
خفه شد و دستگاههای غول آسای
اعلامی چاپ کتشان از حرکت ایستاد و
تازه پس از گذشت روزهای پندداز
این اقدام خفیه پندداز شد.
اینکشان برای سرنگی باصاعت شروع
شد. آری، اینها خود میدانند که با
رشد تجزیه طیفه انقلاب رهائی بخش
ضد امپریالیستی دیگر جانی برای رشد
قارچها نخواهد بود.
در این مدت دیدیم که چگونه
تمام تلاشهای عدهای ملولونمال
در اطراف سفارت برای گردهم آوری
بجهدرفصحه ۴

دانشگاه و انقلاب (۷)

وحدت اصولی مبرم ترین مسئله روز

احزاب تازه بدوران رسیده ای که مانند قارچ در دست پس از رگبار تند بهار انقلاب سر بر آورده بودند،
در فضای مالامال از شور ضد امپریالیستی پژورده شدند

این روزها به برکت اوکیوری
مبارزه ضد امپریالیستی فضای سیاسی
میهن ما از صلائی بیشتری برخوردار
شده است. و علیرغم تاریکهای
رشدی که به دلیل برخورداری نبودن
همه جانبه انقلاب از ایدئولوژی شد -
استثنائی گلا - میشود است. ولی با
پررنگ تر شدن جنبه ضد امپریالیستی

خلع سلاح (قسمت آخر)

طرح مسئله خلع سلاح و نظر مجاهدین خلق نسبت به آن

منحرف نشده است. اما در همین
رابطه منکست بنظر برخی، ادامه
انتشار این بحث و مشخصا عنوان کردن
موسکیری مجاهدین در قبال مسئله
خلع سلاح، بی مورد باشد.
الته فرمان تاریخی امام،
بجهدرفصحه ۷

گوناگون و بار دیگر مبارزه را از سیر
اصلی خود منحرف سازند. همین
خاطر دست به انواع و اقسام تلاشهای
مذبحانهای زدند کدشهای از آن را در
فاله "بیام خصلی، علمه حتمی"
نشریه "مجاهد شماره گذشته آوردیم.
اما از آنجا که با توجه به
هشاری دانشجویان مسلمان مستقر در
جلوی لانه جاسوسی وهم جنس
هکاری و همساری توده ها با این حرکت
و مقابله فاعظ با توطئه ها عوامل
ارتجاع و ایدای امپریالیسم نتوانستند
از اقدامات خود طرفی بسندند، لذا

یورش مجدد به نیروهای انقلابی، نقض خط ضد - امپریالیستی امام

کسانی را که در عمل خط ضد امپریالیستی امام را نقض
می کنند بشناسیم.

درست وقتی که انقلابان در شرایط سقوط بود، وقتی که دشمن اصلی
فراموش شده بود و ردو خورد های خانامسور داخلی اوج می گرفت، دانشجویان
مبارز پیرو خط امام - شوری تازه برانگیختند. باین ترتیب خیلی چیزها که از
پیش بر آن با فشاری میگردد تا حدودی روشن شد. منجمله:
اول - طی ۹ ماه بعد از انقلاب، حتی در حد افشاری نیز بر علیه دشمن
اصلی چندین کاری صورت گرفته و حتی قیامت فراردها و سرمایه داریها و
شکستهای مامورین امپریالیستی نیز بر مردم داده شده بود. بسیاری از اسناد و
دراک مربوطه نیز معلوم شد که اصولا چه کسانی آنها را کش رفتند. کما
اینکه هنوز اسناد سفارت ایران در امریکا نگاشته روشن نیست. درست مثل
خیلی اسناد دیگر در باغ میهران (مرکز ساواک) و نخست زوری - خیلی مشخص
است که سفارت ایران در امریکا، چه اسناد را فرستاد و آوی وزارت خارجه
مدعی بود که اسناد به دستش رسیده است! از این هم عجیب تر به منشی که این
همه شیب و جروح داده، حتی این حق را هم ندادند که قیامتسوار هم که شده
اسامی ساواکیها را باندند. همان ساواکیهای که عمری از خون و شکنجه
رشدترین جوانان ما از برای کردند.

و در همه اینها شگفتی ورتز اینک هر وقت هم امثال ما این چیزها را طلب
نمودند و با خودشان بدینان کشف و افشا، آنان رفتند "منافع" و "جاسوس" و
"صدامام" نامیده شدند.
ثابا - دولت قبلی، بدون اینکه به هیچیک از افراد آن کاری داشته باشیم به
مدعی مورد نظر ما، نه امکان عملکرد افلائی داشته و نه عملکرد ضد امپریالیستی
ثابا - همه - جنگ افروزیهای داخلی از هر موضعی (چه راست و چه چپ
نشانها) بعلم آمده باشد، انحرافی و خارج از مسیر اصولی انقلاب بر علیه
دشمن اصلی بوده است. حال هر چند هم که در اطراف آن تلبیئات شده باشد.
کما اینکه دیدیم یکی از شورونترین میوه های باوری سیر راستین درخت انقلاب
بیام مورخ ۲۶ آبان امام منشی بر سر نیست شناختن حق معین سرنوشت برای
همه روزان گردانم بود.

رأیا - همه حرکات و حادثه های سیاسی و شایعه های درباریه بر علیه نیروهای
واقفا (افلائی) و نه آنها که بنا بر افلائی نمایی میکنند (هر سواد دشمنان
امپریالیست نبوده و نیست. چرا که بسیار دیدیم است که مثلا "اخراج کردن
مجاهدین از محل تمرکزشان در ساختمان سابق بنیاد پهلوی نمیتوانست جز
بخوشامالی و رعایت دشمنان خلق و نهدی ارتجاعی آنها منتهی شود. البته
آنروز بیهانه این بود که ساختمان خلق و در عداد دارائیهای ملی و
عمومی است! اگرچه ما حاضر بودیم که اجازه بدهای آن را بپردازیم.

لکن از اول معلوم بود که ساله در اسامی نه دلسوزی بخاطر منافع و
دارائیهای عمومی و ملی بلکه هراس از رشد یک نیروی ضد امپریالیست و
افلائی است.
بجهدرفصحه ۱۱

روایت خدایی را بر ذرت خود ستر
خواستار نبودن پاسخ می شود که:
"اینان عهدی القالمن" عهد من به
ستگاران اینها خواهد رسید.
همین دلیل چنانکه پیش از این
نیز اشاره کرده ام، خودخواهی حسن
نیز نه یک انتقام خونی خیرادگی و
تسلطی و قومی، بل یک خودخواهی
معدنی و سیاسی است که بر همه های
آزادگان و حق طلبان تاریخ علمه تمام
ستگاران و دردان سرنوشت فرسوده
شتری می باشد.
پس از این لحظه مردم را از
مافوزا بر نمردی تاریخی منهد می.
باید که بخصوص با فصاحت هدایت و
رصدی شدکی سحل شده است.
خلعنی کاروان یافته، و با تانکد بر
امست و فرور "همری" که هر
تازر خنیشهای خودخوردی از
انقلابات آگاهانه و همری شده است.
و شهناسج افلائی است که بی
تواند از راس رهبری خود، تا فاعده
هرم تودای "منور" و باری شده
ظلمه کولران از خدا مان می خواهد
پاسخ می شود که "کیس من اهنگ
1/1 او اهل (واسته) نه نتوست
و با آنگاه که از اهرام خلیل عهد

ایدئولوژی پرتوی از زیارت عاشورا (۳)

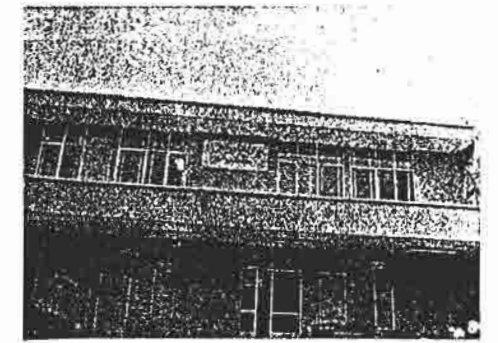
این فقط "بی حسین بودن" است که در ظرف زمانی و مکانی
خاص می گنجند و الا "باحسین بودن" در همه جا میسر است

کشم که اکنون پس از آن
سزای جنتیها از مدخلی در حرور
نیم روز مانورا، مواطقی شرکی و
سوزنده جانب حسن ریانه می کشد
هم چون کوزری بیام اور عشق و نور
که از عشق قلب مرید، برآستان براد
برسکتند:
"بای آست و انی لکف ظلم
بعضی تک کاشل اللکفانی اکرم فاعلی و
اکرمی تکان پرورنی طلب تارک مع امام
تصور پس اهل بیت محمد علی الله
علیه واله
بذر و مادرم فدای تو باد راستی
که بیوک من بجهت تو بی عشق و
سکین است پس از جدایی که هر سه
تو را آنجان گرامی داشته و مرا سز
(بدری این مرتبت) گرامی دانسته است
میخواهم - خودخواهی تو را روزی امام
سازد. بازهری باوری شده از تار
نگری و سیاسی محمد که درود خدا بر

طنین الله اکبر و شعارهای انقلابی، لریزه براندام مرتجعین میاندازد

سپاه شکستخوار سابق سرهنگ "زماهی" بوری آوردند. لازم به تذکر است که شکستخوار سرهنگ "زماهی" که فعلاً خود او فراری است. بدینال فتح انقلابی آن توسط مردم، بوسطنه" مجاهدین خلق به یک تکرار امداد بزرگی تبدیل شده است.

استار نیز سا مقومت جواهران و برادران وهم چنین طرفداران سازمان دست عوامل ارتجاع رو نده و محصور به عقب نشینی



کردیدند و اما شرح واقعه: حدود نیمه شب رنگ درب مرکز امداد بارها به صدا درآمد - موقتی که سلسولین مربوطه دم درب مراجعه می کنند با عذری صلح روبرو شده که خود را باسدار کشته معرفی می کنند و عذری لباس شخصی نیز همراه آورده بودند - این افراد قصد ورود به ساختمان را داشتند که از طرف برادران ما، حکم دادستانی نقاضا می شود. آنها حکمی از کشته" موقت ما

کادسگاه و انقلاب (۷)

وحدت اصولی مبرمترین مسئله روز

تور حجت حمله به انقلابیون با تکت روبرو شد، چرا که وقتی نوددها و اقا" حضور دشمن اصلی را درک کنند هرگز دنبال نوشته های نفرتافکنانه نخواهند افتاد. در اینجا به حق باید نقش وحدت طلبانه و انقلابی دانشجویمان سفیر در لانه جاسوسی را یادآور شد که با تذکرات و بیادینه های روشنگر خود نوشته های نفرت افکنان را در نطفه خفه میگردند، چرا که از نزدیک می بینند که این سخنان بزرگ چه نقشه های شومی برای نابودی انقلاب ما در سر می پروراند است. اینجاست که هر عنصر آگاه و سنجیدی به فکر می رود و در باره" این سؤال می اندیشد که: اگر وحدت حقوق خلق در مبارزه" ضد امپریالیسم سالهای است سرم و حیاتی که بدون آن پیروزی در این مبارزه بزرگ و زندگی شیر مکن است، چگونه گوهر وحدت را از دسترس تهدیدهای مختلف و مخموصاً" تهدید نیروهای مرتجع حفظ کنند؟

در این نوشته ما در گفتگو با یکدیگر میگویم و از آن رو در نظر میگیریم که دانشجویان به این ساله می- برادریم که نقش حاس آنها در ست دادن بمبارزه" ضد امپریالیسم کشته است و درصص دانشگاه آئینه نام نای نفاذهای گوناگون اجتماعی و صحنه" برخورد نیروهای متفاد است و لطفاً اگر در آنجا موفق شویم در درجه اول روی سخن با دانشجویان انقلابی و در آن "سپاه" پیروان سوحدت ناب" است که به دلیل ماهیت کاسطی و انقلابیانش پیش از هر چیزی روند خود را در گرو ندرت اصولی انقلاب و در این مرحله تداوم مبارزه" ضد امپریالیسم می بینند و بنا براس پیش از همه سنگینی مسولیت

سازخشان را شکسته و چند نفر از خواهران و برادران را نیز مجروح می سازند. دست یکی از برادران در میز خورد و سوراخه و لبش من در دیگر زخمی می شود، و چون حال این افراد خوب نبوده به اورژانس اطلاع داده می شود ولی افراد کشته اورژوو برخی مردم محل نیز به پشتیبانی آنها و اعتراضی به اقدام غیرقانونی کشته های مجبور با آنها همراهی می کنند. که افراد کشته در مواجهه با مقاومت افراد ساختن، گاز اشک آور به سمت آنان شلیک می کنند که از شدت و فوری گاز خود نیز محصور به عقب نشینی می گردند. و چندان از خواهران و برادران ما نیز به حال آنها می افتند که توسط خواهران پرستار مدافا می شوند و دیگران هم چنان به مقاومت ادامه می دهند. عذای از طرفداران سازمان که در جلوی در اجتماع کرده بودند به همراهی با افراد داخل می پردازند و شعارهای الله اکبر و ضد امپریالیسم می دهند. افراد کشته که تا اینجا کاری از پیش نبرده بودند، حدود ساعت ۴ با امداد اقدام به آوردن افراد آسین و اوباش که در طول چند ماه اخیر و بخصوص این نگاه آخر در جلوی لانه" جاسوسی شاهد تهاجم، تفرقه افکنی و فحاشی های آنان بودیم، می سازند.

در این جریان ۸ نفر از افراد طرفداران توسط همین افراد محصور شده و آنان اقدام به خراب کردن دیوار پشت ساختمان توسط باشتنی می نمایند. ولی بلافاصله با صف حکمکر از دیوار مردم طرفداران که بازویشان را دردم کرده بودند، بواجه می شوند. و در نتیجه دست به حمله با جوب و سنگ می زنند و تعدادی از تشتهای



یکی از برادران که در حمله به مرکز امداد مجاهدین مصروف شده

تخل نمیکنند، "۲- "وحدت به واقعیه بوشی بر انحصار طلبی" و شعار واقعی این نوع وحدت طلبان اینست "هرگز آنچه را نمی میگویم بدون چون و چرا نباید نیکند بر علیه من است" این نوع وحدت طلبی در واقع عمیق ترین نوع تفکر طلبی در لایه وحدت است، چرا که به این ترتیب هیچ جایی برای حرکت کردن و در کنار هم بودن بر پایه" نقاط مشترک باقی می خوراند. اگر چنین اندیشه ای محور فکری برخورد نیرویی با سایر نیروها باشد هیچ جایی برای وحدت باقی نخواهد گذشت.

"۳- "وحدت بمنوا عاملی جهت مخفی نگهداشتن تضادهای طبقاتی، بکنی از مشکلات طبقاتی است. مارکسیست که پس از مدتی مستضعفین و استثمار شده ها به اختلافات ریشه ای خودشان با استثمار کننده ی دیگر، چرا که این آغاز نبرد کارگر بر علیه سرمایه دار، رعیت بر علیه فئودال، برده بر علیه برده داران، همیشه تلاش می کنند از نوع موع از وحدت بزنند، این چیزی جز یک خلط سحت برای تحمیل تودماغ و جلوگیری از ارتقاء" ایدئولوژیک آنان نیست، همچنانکه انقلابیون طرفداران

ساختن را شکسته و چند نفر از خواهران و برادران را نیز مجروح می سازند. دست یکی از برادران در میز خورد و سوراخه و لبش من در دیگر زخمی می شود، و چون حال این افراد خوب نبوده به اورژانس اطلاع داده می شود ولی افراد کشته اورژوو برخی مردم محل نیز به پشتیبانی آنها و اعتراضی به اقدام غیرقانونی کشته های مجبور با آنها همراهی می کنند. که افراد کشته در مواجهه با مقاومت افراد ساختن، گاز اشک آور به سمت آنان شلیک می کنند که از شدت و فوری گاز خود نیز محصور به عقب نشینی می گردند. و چندان از خواهران و برادران ما نیز به حال آنها می افتند که توسط خواهران پرستار مدافا می شوند و دیگران هم چنان به مقاومت ادامه می دهند. عذای از طرفداران سازمان که در جلوی در اجتماع کرده بودند به همراهی با افراد داخل می پردازند و شعارهای الله اکبر و ضد امپریالیسم می دهند. افراد کشته که تا اینجا کاری از پیش نبرده بودند، حدود ساعت ۴ با امداد اقدام به آوردن افراد آسین و اوباش که در طول چند ماه اخیر و بخصوص این نگاه آخر در جلوی لانه" جاسوسی شاهد تهاجم، تفرقه افکنی و فحاشی های آنان بودیم، می سازند.

در این جریان ۸ نفر از افراد طرفداران توسط همین افراد محصور شده و آنان اقدام به خراب کردن دیوار پشت ساختمان توسط باشتنی می نمایند. ولی بلافاصله با صف حکمکر از دیوار مردم طرفداران که بازویشان را دردم کرده بودند، بواجه می شوند. و در نتیجه دست به حمله با جوب و سنگ می زنند و تعدادی از تشتهای



یکی از برادران که در حمله به مرکز امداد مجاهدین مصروف شده

تخل نمیکنند، "۲- "وحدت به واقعیه بوشی بر انحصار طلبی" و شعار واقعی این نوع وحدت طلبان اینست "هرگز آنچه را نمی میگویم بدون چون و چرا نباید نیکند بر علیه من است" این نوع وحدت طلبی در واقع عمیق ترین نوع تفکر طلبی در لایه وحدت است، چرا که به این ترتیب هیچ جایی برای حرکت کردن و در کنار هم بودن بر پایه" نقاط مشترک باقی می خوراند. اگر چنین اندیشه ای محور فکری برخورد نیرویی با سایر نیروها باشد هیچ جایی برای وحدت باقی نخواهد گذشت.

"۳- "وحدت بمنوا عاملی جهت مخفی نگهداشتن تضادهای طبقاتی، بکنی از مشکلات طبقاتی است. مارکسیست که پس از مدتی مستضعفین و استثمار شده ها به اختلافات ریشه ای خودشان با استثمار کننده ی دیگر، چرا که این آغاز نبرد کارگر بر علیه سرمایه دار، رعیت بر علیه فئودال، برده بر علیه برده داران، همیشه تلاش می کنند از نوع موع از وحدت بزنند، این چیزی جز یک خلط سحت برای تحمیل تودماغ و جلوگیری از ارتقاء" ایدئولوژیک آنان نیست، همچنانکه انقلابیون طرفداران

مبارزه" طبقاتی هستند، سرمایه داران از اوگیری این مبارزه وحشت داشته و خواستار انقیام آنند و اینجاست که نفع وحدت ساز میکنند، غافل از اینکه بعد از مدت کوتاهی کارگران و سایر رزمگستان از تحریک و روانشان درک میکنند که نمایش وحدت کارگر و سرمایه دار چیزی جز یک حبه شبنامی نیست.

درک صحیح و عینی از وحدت

" هر نوع برداشت از وحدت بدون تشخیص ریشه ها و ضرورت های تاریخی آن، نمیتواند صحیح باشد." بسیاری از اشتباهات در درک مفهوم انقلابی از بهاندادن و یا نشناختن ریشه ها و ضرورت های تاریخی آن ناشی میشود. مثلاً "آزادی، محتضای عریضی و طول در باره" مفهوم این کلمه غالباً از درک نشن مفهوم تاریخی و تکاملی آزادی سرچشمه میگیرد. بدین معنی که وقتی مثلاً "ما فرد را از جامعه ای که در آن زندگی می کند جدا کرده و شرایط تاریخی او را نمی سنجیم، تعریف ما از آزادی میبازد دربرگیرنده" می بندد و باروبای برورزشی باشد. اما وقتی درک کنیم که آزادی به معنای جبریتش در جوهر خود امکان ستیز با اجبارات اجتماعی و فردی را ایجاد میکند در آن صورت در هر شرایط خاص در

مرکزی تحول می دهند. در کشته مرکزی آنها را مورد ضرب و شتم قرار میدهند و سپس به مرکز سیاه پاسداران منطقه فرجول می دهند که از آنجا آزاد می شوند.

در تماس با یکی از مسئولین سیاه پاسداران، آنان ضمن برخورد



"برای محشم" ساواکی شناخته شده، که در روزهای محاصره و اشغال ستاد مجاهدین در اطراف ستاد بویزه در میان به اصطلاح "حزب السیها" !! آنها را بر علیه مجاهدین تحریک می کرده و می گفت اینها ضد انقلابند و باشتنی ساختمان را که متعلق به مردم است، از اینها گرفت - جالب است که این آقای انقلابی جدید ۱۱ در یک جلسه خصوصی تحلیل می کرده که بزودی وفیعت ایران طوری خواهد شد که مردم بگویند "مرگ بر خبثتی"

اورژانس به محل جلوگیری می کنند. در این جریان ۸ نفر از افراد توسط همین افراد محصور شده و آنان اقدام به خراب کردن دیوار پشت ساختمان توسط باشتنی می نمایند. ولی بلافاصله با صف حکمکر از دیوار مردم طرفداران که بازویشان را دردم کرده بودند، بواجه می شوند. و در نتیجه دست به حمله با جوب و سنگ می زنند و تعدادی از تشتهای

صبح در حالی که دو دسته شده

پیام تنبیهت مجاهدین خلق ایران

بقیه از صفحه اول

تضکران انقلابی شرکت لاوان

و این اقدامی است مردمی و اسلامی که باشتنی سرشنی شام کارگران و کارکنان دلیر وطن باشد، به این ترتیب شما به نای امام خمینی که راهبده آمریکا ما را "راهبده قائم با معلوم" توصیف نموده به بهترین صورت پاسخ داده و در مدد نفع چنین روایع بهرکشته ضد اسلامی و ضد خلقی در محیط کار خود برآمدید.

سلام بر نضکران انقلابی
مرگ بر امپریالیسم آمریکا

مجاهدین خلق ایران
۵۸/۹/۲۵

درجه اول به سراغ شناخت جبهه های مبارز دارند و سدهای تکامل خواصم رعت و مفهوم آزادی را در مبارزه" با این اجبارات و در جریان خروج از آن جستجو خواصم نمود. در آن صورت هر عاملی که بتواند ما را در مبارزه با عوامل بازدارنده باری کند به خدمت آزادی ما در خواهد آمد. قبل از اینکه مفهوم وحدت را با توجه به ریشه ها و ضرورت های اجتماعی آن بررسی کنیم یادآوری می کنیم که هرکجا صحنه از افشار و طبقات اجتماعی می کنیم منظور ما بوده های هستند که در روابط و مناسبات هستند - اجتماعی و مزبای فرار گرفته اند. مثلاً "در زمان ما کارگران، کارورزان، سایر رزمگستان شهری، و ... جزو افشار و طبقات اجتماعی هستند و همچنین هرکجا که از نیروهای اجتماعی سخن میگویم منظور ما نهادهای سیاسی مانند احزاب و گروه های می باشد که بر پایه" معتقدات ایدئولوژیکشان منحص می شوند. برای اینکه درک ضرورت های اجتماعی و جدت برایمان روشن شود به یک مثال ساده پاسخ می دهیم: آیا قبل از سقوط دیکتاتوری می شد در مسر مبارزه با استبداد از وحدت با سرمایه داران بسیار بزرگ وابسته و عناصر دربار صحبت کرد؟ هرگز! دقت

(ادامه دارد)

بودند یک دسته نماز جماعت برگزار کرده و دسته دیگر به محافظت پرداخته و سپس دسته دیگر به اقامه نماز پرداختند.

روز جمعه نزدیک مغرب آفتاب سجدا حدود ۳۰ نفر از رجاله ها و اوباش های معلوم الحال که از طریق



"برای محشم" ساواکی شناخته شده، که در روزهای محاصره و اشغال ستاد مجاهدین در اطراف ستاد بویزه در میان به اصطلاح "حزب السیها" !! آنها را بر علیه مجاهدین تحریک می کرده و می گفت اینها ضد انقلابند و باشتنی ساختمان را که متعلق به مردم است، از اینها گرفت - جالب است که این آقای انقلابی جدید ۱۱ در یک جلسه خصوصی تحلیل می کرده که بزودی وفیعت ایران طوری خواهد شد که مردم بگویند "مرگ بر خبثتی"

رها خانم ۱۱ تهییج می شدند در محل ساختمان امداد بزرگی مجاهدین جمع می شوند که در فضای طسین الفکر مجاهدین انقلابی هواداران مجاهدین قربانها و داد و بمدادهای لسنی شان محو می گردد، بنجارها، مانند بیروسکهای کوچک شده، فطنامه ای را که سراسر فحش و نعت به انقلابیون راستین بود قرائت کرد و با سلمه نازی خواستار اجزای فطنامه ۱۱ عدانقلابستان در اوج مبارزه" ضد امپریالیسم طلعان گردیدند. که نهایتاً با صحنه های یکی از برادران دانشجو پیرو خط امام متفرق گردیدند - تا در جایی دیگر در فرصتی دیگر اعمال ارتجاعی شان را انجام دهند.

پیام تنبیهت مجاهدین خلق ایران

بقیه از صفحه اول

تضکران انقلابی شرکت لاوان

و این اقدامی است مردمی و اسلامی که باشتنی سرشنی شام کارگران و کارکنان دلیر وطن باشد، به این ترتیب شما به نای امام خمینی که راهبده آمریکا ما را "راهبده قائم با معلوم" توصیف نموده به بهترین صورت پاسخ داده و در مدد نفع چنین روایع بهرکشته ضد اسلامی و ضد خلقی در محیط کار خود برآمدید.

سلام بر نضکران انقلابی
مرگ بر امپریالیسم آمریکا

مجاهدین خلق ایران
۵۸/۹/۲۵

درجه اول به سراغ شناخت جبهه های مبارز دارند و سدهای تکامل خواصم رعت و مفهوم آزادی را در مبارزه" با این اجبارات و در جریان خروج از آن جستجو خواصم نمود. در آن صورت هر عاملی که بتواند ما را در مبارزه با عوامل بازدارنده باری کند به خدمت آزادی ما در خواهد آمد. قبل از اینکه مفهوم وحدت را با توجه به ریشه ها و ضرورت های اجتماعی آن بررسی کنیم یادآوری می کنیم که هرکجا صحنه از افشار و طبقات اجتماعی می کنیم منظور ما بوده های هستند که در روابط و مناسبات هستند - اجتماعی و مزبای فرار گرفته اند. مثلاً "در زمان ما کارگران، کارورزان، سایر رزمگستان شهری، و ... جزو افشار و طبقات اجتماعی هستند و همچنین هرکجا که از نیروهای اجتماعی سخن میگویم منظور ما نهادهای سیاسی مانند احزاب و گروه های می باشد که بر پایه" معتقدات ایدئولوژیکشان منحص می شوند. برای اینکه درک ضرورت های اجتماعی و جدت برایمان روشن شود به یک مثال ساده پاسخ می دهیم: آیا قبل از سقوط دیکتاتوری می شد در مسر مبارزه با استبداد از وحدت با سرمایه داران بسیار بزرگ وابسته و عناصر دربار صحبت کرد؟ هرگز! دقت

(ادامه دارد)

عروسکهای کوکی از تجاع

"فشرهای ملت باهرملکی که دارند و باهرفکرسیاسی یا مذهبی که دارند لازم است وحدت خود را حفظ نمایند" امام خمینی

خوهران و برادران! نامه‌های دانشنام راجع به بعضی نوشته‌هایی که این روزها علیه سازمان مجاهدین به بازار آمده و سئوالاتی از این فصل طرح شده که:

چرا در مقابل این نوشته‌ها سکوت می‌کنند؟ و با اینکه چرا اساس این نوشته‌ها را به مجاهدین می‌زنند؟ برای بعضی نیز احیاناً شهادت پیش آمده که ما در چند شماره به توضیح می‌پردازیم.

از حلقه این نوشته‌ها حروباست تمام "صاحبه با برادر سید احمد هاشمی‌زاد" و خرعلاتی دیگر از این فصل ...
این حوزة که تحت عنوان "افتا گری" با نسبت ۱۵ روال! و گاه در روزهای جمعه بصورت رایگان در سطح وسیع آنهم در درج جاسوخانه آمریکا و در اوج مبارزه مکه‌فروخته اند امپریالیستی خلفان پخش شده و می‌نود، شناسگر چیست؟

راستی در شرایطی که امام فریاد می‌زند که: "من برای چندین بار تکرار می‌کنم، که در این امر حیاتی، فشرهای ملت با هر سلگی که دارند و با هر فکر سیاسی یا مذهبی که دارند، لازم است وحدت خود را حفظ بنوده و علیه جنایات بنشار دولت آمریکا، موضعی خصمانه گرفته و اشکال نژادی و نیرفاده‌انداری که سود دشمن کنشوری باست نباشند."

آتش بیابان این معرکه چه کسانی هستند؟ بوفعی که امام برای مطالعه با نشان بزرگ یعنی آمریکا، حتی امر به کار گذاشتن اختلافات سلگی می‌نماید، این مخالفتی و تمهیداتی دشمن نادان، از چه طبقه‌هایی بیرون می‌آید؟ و عجب اینکه هرگاه مبارزه ضد امپریالیسم اوج می‌گیرد، هزاره دانش نسلی را در دست تشخیص دادند و همه اشعار را بسوی او برتاب کردند، بازار تمهید و افترا های گوناگون، و انواع و اقسام مارکها علیه مجاهدین منتشر شد!!
رابطی میان اوج‌گیری مبارزه ضد امپریالیستی و سرازیر شدن سبیل امپریالیسم و تمهیداتی مجاهدین می‌توان پیدا کرد؟ اساسا چرا این حلقه ها لبه تیغ است؟ چه می‌خواهند؟

ما نیز سون می‌گردیم که کثیر از خودمان تعریف و دفاع نمائیم، ویرا معاصطی و عزت نفس خود می‌کردیم که با بیان حقایق و عملکردهای اجتماعیمان خلق به بوفعی ما می‌خواهد، وری ایستار می‌خواهیم از سازمانی که ۱۴ سال سابقه مبارزاتی و کار طاقت فرسای ایدئولوژیک، سیاسی، نظامی دارد دفاع نمائیم. این به به نفعی از دست دادن اعتقادات قدسشان در رابطه با برخورد با قضایاست چرا که دفاع را حق طبیعی خود می‌دانیم، دفاع ما هم در شکل جواب دادن به تمهیداتی و فحاشیهای مرتجعین نخواهد بود، بلکه باورهم بیان حقایق برای خلقی که می‌دانیم نهایتا حقایق را خواهد فهمید (بوم‌نگار)

البتعا تحقیقاتی در مورد نویسندگان این نوع حروبا و اعلامیه ها و محل تکثیر آنها که این روزها کم هم نیستند دانشنام و اطلاع داریم که این به اصطلاح دردیابی که به وقت‌ناشناسی نمی‌شناسد در مخدوش کردن چهره مجاهدین دارند، از چه بواسطی حمایت شده، و چگونه توزیع می‌گردد، که عندالزوم ازجواب معلوم الحال و دستجات مشخص و انقلابی نامی را که سرخ و دست‌اندرکاران این توطنهایی می‌باشند، برای خلق قهرمان برلا ساخته و در اختیار عموم قرار خواهیم داد. تا مسعوری، شود هر که دروغش باشد.

قبل از پرداختن به ارزیابی نوشته مزبور، اجازه بدهید که با این سئوال خوهران و برادران پاسخ گوئیم: که چرا ما دشمن به دشمن مرتجعین شده و هر سنگی را با سنگ جواب نمی‌دهیم یا احیاناً در جواب دادن پشیمندی نمی‌کنیم، بلکه در مقابل همه تمهیداتی سیاست سلگ را پیشه ساختیم. آیا این سکوت یا بی‌مستی رضا و قبول داشتن آنهاست؟ یا

مردم و مجاهدین

اگر در محیط‌های گوناگون علیه

اتحادیون و اقلی خو خفقان و دیکتاتوری ایجاد می‌کنند اتحادیون نیز دارای اراده بولادتی هستند، که هیچ شرایطی قادر به شکست آن نمی‌باشد

خوهران و برادران عزیز: بارها با تاثیر نامه‌ها و انتقادات و پیشنهادات شما در عملکرد سازمان و نشریه سخن گفته و نوشته‌ایم، اما این بار می‌خواهیم تاکید کنیم که نظرات خود را در مورد بخش‌های مختلف نشریه - سیاسی کارگری و ... - دقیقاً با ذکر نمونه‌های مشخص برمایان بنویسید. این درخواست از چند هفته پیش مطرح گردید، اما از شما نیز به نظر می‌رسد که این درخواست پاسخ مثبت داده‌اند، که از تک تک شما تشکر می‌کنیم. اما این تعداد بهیچ وجه کافی نبوده و باید تعداد بیشتری از خوهران و برادران، مارا در این کار کمک کنند. بهیچ‌مدلی از شما خواهش می‌کنیم در سرگی جداگانه و بخصوص از مقالاتی که بسندید می‌آید "شخصاً" انتقاداتی دارید با ذکر دلیل قطعی که باید در نشریه باشد و ... برمایان بنویسید. در این هفته نامه‌های متعددی از گروه و کارگزاران که خبر از حاکمیت جو احتیاج بر مدارس دارد، نیستم به واقع کاری از دستمان نی‌آید که در رفع این احتیاج غیر بردی بکنیم مگر ذکر هر چند بکار نوبتهایی از آنها و تعدادی استواری خوهران و برادران خودمان. مارا عزیزی که در تلاش از روابط حاکم بر شهر مدرسه‌ها و خوستند بدانند که تنها آنها استقامت شاست که می‌تواند مع آنها سرطلمان و شازگانان مرتجع را باز کند. به هیچ‌وجه از اینکه اطلاعاتی بنایان را پاره می‌کنند، از اینکه به شیوه ساواکها کجریه‌بانان را مرستی می‌کند، از اینکه کجریه‌بانان را در دست کرده اند، از اینکه نمی‌گذارند آزادانه فعالیت کنند، از اینکه علناً به اتهام هواداری ماسه می‌دانند از گرانترین اتهامات است - شازگان می‌گویند و شاست جلو پایانی می‌اندازند و دست به هزارویک شاکتیک عکس المصلی ناخوانده‌ها در حق می‌بندند و از آنکه ... بهیچ‌وجه مراحت نباشید، که باید خوشحال شوید. آنها به نرو و حقانیت خودشان ایمن می‌آورد و وقتی در مقابل توکل اقدام شاست با این چنین فشاری، همه می‌شود؟ آیا این نشانه وحشت آنان نیست؟ آسپس به خودشان حجتی می‌نمایند و می‌خواهند مشکلات به پیش روند. ولا تهنوا ولا تخزوا ...

لکنه دوم، اخیراً در بین تعدادی دانشجوینان بپرو خط امام را باید آدهای وحشی و مهمان نوازانی! بدینم که سزارتوتی! آمریکا را اشغال کرده‌اند، و ده‌ای زن و مرد بیگناه را که دوز از پلشتان برای خدمت به برانزها آده‌اند بی جهت گروگان گرفته‌اند. ویدم به بهیر - بایزیم آمریکا حق بدهیم که برای نجات گروگانها و حفاظت از جاسوخه خود اموال و دارایی ایرانها را غصب کند و حمله نظامی شاید!

با اگر ساله اسرائیل اشغالگر و فلسطين را جدای از سواق و پلشت و ایجاد تضاد و درگیری و اشغال فلسطين مطالعه نمائیم، یک اقدامی صهیونیستی، فلسطینی، طبقه شمت تروروست و خرابکاری هستند که خواب و خوراک را بر ملتی حرام کرده و با سب گذشتن در انبوسه، فقرها و حمله‌های فرژا آراش را از صهیونیست‌ها سبب می‌آید!!

با اگر در روابط و سیاسیات اجتماعی به سائلتی از قبیل فقر، فحشاء، ترافیک، گزانی، بی‌گاری، ... برخورد نمائیم، آیا اساساً متبران بدون درک زمینه‌های اقتصادی اجتماعی آن به مبارزه و جنگ با آنها رفت؟ داده‌اند، بنده خواهد بود اگر تنبلی افراد را در فقر - بولوهوسی را در فحشاء - عدم رعایت حقوق و راضعانی و رانندگی و ترافیک و بی‌انصافی را در گزانی متبران عامل

برای شناخت مشخصین باید زمینه خصوصت را شناخت، لکنه دومی که باید در نظر داشت اینست که: برای شناخت مشخصین باید زمینه خصوصت را شناخت، با برای شناخت دوگنگان باید موضوع دعوا را فهمید اجازه بدهیم برای روشن شدن موضوع چند مثال ذکر نمائیم: بین بولک امپریالیسم جهانخوار و در راس آنها امپریالیزم شده و تحت سلطه، تضاد و درگیری آتش نا پذیر وجود دارد. ما بعنوان خلقی که جو فوع قادر به درک واقعی محتوای این تضاد خواهیم بود؟ موضعی که زمینه تضاد و درگیری و خصوصت موضوع تفاوت اختلاف را بشناسیم، در غیر اینصورت قادر به قضاوتی درست و صحیح در این رابطه نخواهیم بود. چنانچه این رابطه عام را در مورد خاص امپریالیزم آمریکا و ایران کشف نکنیم، ایرامیا و

ارتجاع غرق خواهد ساخت و پروسه زوال آنها را تسریع خواهد نمود. درست در ازا! هر چند شدت بخشیدن مرتجعین به اعمال فاشیستی و ارتجاع - عینان است که رشد نیروهای انقلابی هم تسریع میگردد. تسریع خواهد بود نه برخوردی انگشالی و احساسی، و یا بقول قرآن: "لکنه کثیره کثیره کثیره اشکالی ثابت و فزونی لبی التاء" مثل جریانهای توحیدی به مانند جریانی طیب و ظاهر ورشد با بنده است، که در درک روپینه و متن هستی دارد و شامخا می‌آید، در بخت هستی آسمان گسترده است. رشد و گسترش از ویژگیهای نیروهای انقلابی است و نابودی و زوال از خصوصیات نیروهای ارتجاعی. اگر چه که در مطنی نیروهای حق کم باشند ولی آینده از آن آنهاست. به قول امام علی در خطبه ۱۶: "لَقَدْ عَلِمْتُمْ لِيَوْمِ يَأْتِي السُّبْحَانَ الَّذِي يَخْتَلِفُ عَلَيْهِ وَلِيُّ الْعَالَمِينَ" لَقَدْ عَلِمْتُمْ لِيَوْمِ يَأْتِي السُّبْحَانَ الَّذِي يَخْتَلِفُ عَلَيْهِ وَلِيُّ الْعَالَمِينَ

آنها که بولفون صفته هر روز به رنگی درمی آید متفقد، با آنها که حتی در میدانهای تیر و شکارهای آبراهمیری هم دست از اعتقاداتشان برنداشته اند! اگر تا ۳ سال پیش ملت عملکرد نیروهای انقلابی، از زمان که ملاک انقلابی بودن، خون دادن و شمشیر شدن بودیم، در زمان شاه خائن، کسی را برای استیادن و موضع گرفتن در مقابل مجاهدین نبود که اتفاقاً حمایت از مجاهدین هم شاعی برای رونق بازار شازگانان میشد امروز ملاک انقلابی بودن، حرف زدن و بهتر شاست مالی کردن اعمال مرتجعین نیست، شاست و با نیروهای ارتجاعی یعنی نیروهای که رو به زوال هستند و با نیروهای شازگاری، که در آینده به سمت سازش با امپریالیزم خواهند رفت، نمیتوانند شاهد رشد نیروهای انقلابی باشند و سکوت نمایند ساله گامی قابل فهم بگیرند. سزارین اگر مرتجعین توطئه نکنند و تمهید نزنند جای حس، تعجب است، لذا ما منتظری جز این نیستیم. نامردم، حتی خود را برای اتهامات حادث و سخت تر از گذشته و حال هم آماده کرده‌اند، اگر کسی که یاد نگارد لزوماً باید طوفان درو کند، و لذا آنها مجبورند که یاد بگیرند و طوفان برداشت نمایند چرا که:

نیروهای که با جراحی سمت دار نگاهل انطباق ندارند باید به مرز هلدان تاریخ سرازیر شوند.

اولاً - نیروهای میرا، آنها که توانایی انطباق با جریان ست دار و تاریخ را ندارند و باید که در آینده می‌نزدیم به مرز هلدان تاریخ سرازیر شوند، و شاهد زوال تاریخی خود هستند مجبور به آخرین تلاشهای مزدخونی می‌باشند اما بقول قرآن: "لکل اهل ادا جا، اجبم لایست" غرور ساعه و با یستغنون برای هر نیرو و جامعه‌ای عمر تاریخی و اجلی است که بحشی پایان آن هرگز حتی به اندازه ساعتی عقب نیفتاده و پشیمی نمی‌گیرد.

ثانیاً - از آنجایی که در مسیر هدفدار هستی تنها اعمالی قابل دوام بوده رفت پاینده است که با مضمون تکامل یعنی پیشبرد و بهبودی راه خدا و خلق انطباق داشته باشد، این امر امکان پذیر نیست مگر مدافع بالنده ترین و محرومترین نیروهای اجتماعی در هر مقطع زمانی باشیم، مبادرت دیگر تنها اعمالی که در جهت دفاع از حقوق تاریخی طوفان زخمیر و مستقیمت زمانی صورت بگیرد قابل دوام می‌باشند و بقول قرآن در سوره رعد: "مَنْ لَمْ يَرْفَعْ كَفْرًا يَرْفَعْهُمُ اللَّهُ كَمَا يَرْفَعُ الْغُلَامَ يَسْتَفِئِفُ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ مَلَكًا مُرْسَلًا" مگر آنکه کسی که به راه و

مشی واقع آمال خدایایی و خلقی کفر می‌ورزند مانند تل خاکستر است که طوفانی شدید به آن بوزد و از آن تل خاکستر (اعمال ضدنگسالی) اثری باقی نگذارد. ثالثاً - با رشد نیروهای بالنده و انقلابی و نیروهای ارتجاعی مجبورند که تلاشهای ارتجاعی خود را شمت و خشدند و دست و پای بهتری برای نجات از غرقاب بزنند، دست و پا زدنی که بیشتر آنها را در گنداب

می‌دهیم که البته ساخت خود بود عهد گمانی است که با تو نزدیک آشنایی دارند ولی به خواهر هم توصیه می‌کنیم که دقت کند برخورد یک مجاهد با با فرد وابسته به سازمان باستی بدور از کینه‌توزی خصمی و ... باشد. رعایت نکردن حدود هر سال حتی و شوخی ممکن است حتی، همتی به فاجعه نیز بشود.

برادری به نام فریروز ... ن. از نهران برمایان نوشته برای پخش اعلامیه به خابان رفت و در سن راه برای رفع خستگی به منزل دوستی سر زده‌اند، دوست از روی شوخی شماره تلفن و اسم این برادر را روی اعلامیه می‌نویسد و این برادری می‌خیزد از جریان اعلامیه‌ها را بخشی می‌کند. از آن روز به بعد به این برادر تلفن می‌شود و او را سرزنش می‌نماید گفتلای که بیشتر باعث ناراحتی شده این است که عده‌ای از تلفن‌کنندگان این برادر استخفام پیروی از سازمان دانسته و به سازمان بدویاره می‌گویند این تجربه‌است که می‌نشان می‌دهد که شناختن حد و مرز سائل جزی و شوخی به کما منتهی می‌شود. این صداقت این برادر شکرگزار.

عده‌ای از کارگران ساختمان جوار واقع در ایلام ضمن انتقاد از سنگینی مطالب نشریه برمایان نوشته‌اند: "تنها روشنگر نیستند که این نشریه را مطالعه می‌کنند بلکه بیشتر کارگران سندیده مثل ما نیز مطالب نشریه را می‌خوانند ... من فکر می‌کنم برادران کارگر خود و راجع آنها به پاسخی که در چند هفته پیش در این مورد دادیم متذکر می‌شوم که سعی خواهیم کرد که خواسته‌ایان را عمل کنیم. نامهای با اصلا کب طرفدار مشکوک و بردر رسدسات که سئوالاتی از طرح کرده که بارها و بارها به این فصل سئوالات هکی برخورد داشته‌ایم، مثلا چرا مثل قدماها به قانون اساسی اثر ندادند؟ چرا فقط برای این ترس می‌زنند؟ چرا از اصطلاحات "جسی" ها استفاده می‌کنند و ... و نتیجه گرفتند که این همه حد نشانه جزمی است، و با اضافه کرده‌اند اگر ترف انسانی (و نه هیچ چیز دیگر) دارد تا شماره ۱۶ محتاج جواب ایستار با بدیم و گرنه منتقد می‌شوند ما کونستنهائی هستیم که زیر لوی دین خنات می‌کنیم. ما جوابی ندادیم این جناب نسیم ایستار هم آزادند که هر چه خواستند در مورد ما قضاوت کنند. درج نامتان هم فقط فقط برای بالا بردن بیشتر شناخت خوانندگان خود بوده، از نویسنده نامه می‌پرسم آیا همه اعتقادات خود را اینگونه بدست آورده‌اند؟

برادری به نام رضاش، از زحمان برمایان نوشته: بر اثر تبعیض سوا به دختر منمادی که عضو خفتان ملی مجاهدین است ناسزا گفته و اکنون با شناخت ارتجاع و بی بردن به حقانیت خوهران خجالت می‌کنند که به روی او نگاه کنند، این برادر از ما خواسته است که به این زرمده نکوشد تا مرا ببخشد. توضیح

اصلی و زمینه‌های اجتماعی و نمادهای جامعه بدینم. از این مثالها جنبش شیجه میگیریم که برای شناخت علمی، سیاسی تضادها، باید دید که دعوا بر سر چیست و ریشه تضاد در کجاست و این امکانپذیر نیست مگر اینکه چهارچوب فکری و طبقاتی افراد را بشناسیم. بعنوان نتیجه و ملاکی برای طرفدارانمان در برخورد جامعه شناسانه با تضادها و تمهیدها باید در درجه اول چهارچوب اندیشه نیروهای نهمت زن، و افترا بدین شناخت، و تا پاسخ صحیحی به جزئیاتی که آنها مطرح میکنند پیدا نمود. البته این به مفهوم داخل شدن در جزئیات نیست بلکه عندالزوم باید در جزئیات نیز وارد شد ولی درک جزئیات وقتی امکانپذیر است که ریشه‌های طبقاتی طرفین مشخص گردد، فقط در حالی که است که سبوان عالی را این صبرهای قلبی که تنها تکرار طلا را دارند باز شناخت. و به دیگران نیز نشانند، عدم درک چهارچوب‌های فکری و نوع تضاد چهارچوب‌های زندگی به عمق قضایاست. برخوردی ابدالستی که باعث نابودی اینگونه افراد خواهد شد. من ابدی شُخْطَه لِإِخْتِ هَلْکِ هرگی با حق سلطی و ذهنتی برخورد کند هلاک میشود. ادامه دارد.

گسترش تحریکات دست راستی علیه مجاهدین

مجاهد خلق را می توان گرفت، به بند کشید، زندانی کرد، شکنجه نمود، به گبار مسلل بست، اما نمی توان او را از اصول و آرمانهای انقلابی توحیدی اش منصرف نمود.

کفتم که جریانات راستگرا در شرایط کنونی در خط ایجاد جنگ داخلی و خنثی نمودن مبارزه از دست اصلی خدایاری انقلابی تکیه می کنند. یکی از نیروهای کلان در بهاد بود، که این هدف بزرگ مورد استفاده قرار گرفته. عملیات ابتدایی بر ضد نیروهای انقلابی به منظور بستن آوردن و خنثی کردن آنهاست. ابتکار کلی برای عملی صورت می گیرد. در نخستین قدم با تبلیغات دروغ و مارک زد و تمهیدات شرعی و خلاصه بدین ساختن مردم شوکت شده، سپس وقتی مردم از انقلاب دور افتادند جدا کردند. در صورت توانایی در جهت قطع و تمهیدات نیروهای انقلابی و سرکوب آنها قدم به می بردند. البته گذشتن از روی ضد انقلابیون حاکم برکت آنتیوان هم برای مرتجعین ساده و آنان نیست.

ارتجاع وقتی در این مسیر جلوتر برود، حتی از طغای زرم و عوامل ساواک نیز سگ براحتی آمده قرار گرفتن مجدد و سازمان یافته در خدمت آنها هستند - کنگ خواجه گریست.

این ترتیب امپریالیستیک که برای امپریالیستهای نیروهای رادیکال و انقلابی با اصطلاح انداختن تحولات در سر آرمیک، یک سیاست جدید در سطح جهانی در پیش گرفته بودند. بهترین هدف ستارگان خود را برای استقرار مجدد و به سازش کشاندن کل سیستم ارتجاع داخلی می باشد.

آیا وقتی در هر کانون نظرات مبارزات و مبارزات ضد امپریالیستی عملی مقابل انگلستان استانی و مالی و جری خود را نسج می کنند تا علیه مجاهدین دست به تحریک بزنند و بجای فشارهای ضد امپریالیستی تمام امپریالیستهای خودی خود را می بینند و بجای خواندن برچم آمریکا، نشانه مجاهدین را آتش می زنند و ... آنها این سازش نیست آنها در شرایطی که به گفته امپریالیستها با بنیتهای ضد تفنگها و لیبها را بسوی آمریکا نشانه روند. مدارک بنام پاسدار نیبه نش به عرک مجاهدین مسلحانه حمله می کنند و با تیزراندن و بر تپاک گانگازور و به مسلسل بسن ساختمانها و تخریب و قتل موارخان و برادرانشان عملاً با دشمن اصلی می گردند. چه کسی سود می برد؟ جز امپریالیستها و افرادی داخلی آنها؟

روزی نیست که اعلامیه با جزوهای در جهت تحریک مردم بر علیه سازمان منتشر شود! آیا عناصر مرتجع فاشیت و جفاقتداران حزبه که مدتی است جلوی سفلت استقرار یافتند و از صحنه تا دور و قریب نیشبنا و فحاشی و حمله جنون آمیز بر علیه موارخان و برادران ما در آغا واری می دارند. مبارزه ضد امپریالیست لیبستی می کنند و با بنیادهای امپریالیستها از آن طرف می آیند؟ جز آن حملهات مکرر ارتجاعی علیه مراکز ما گلوی می شود؟ چرا مسئولین این اعمال دشمن شاکس می گردند و مجازات نمی شوند؟ آنها موارخان اینقدر خداریانگ دشمنان که بر پشتی قبل از آمریکا به سراغ آنها رفت؟ آیا اجازه ندهید قستی از اظهارات یکی از ستولان پاسداران را که در جریان حمله مسلحانه به یکی از مراکز ما (واقع در بوشهر) یاد می آید بیان داشته مینا در اینجا چنین نامیم: ...

یکبارید برایتان بگویم. در سیه آنقدر که به فاشیست دانه به جریکیانکده فدائی ندانند، نمی دانم متوجه شده ایم یا نه؟ یا در رک بگویم، آنقدر آن بیجهت حساسیت دارند به سازمان، عداقتا می کنند می خداختد می کنند، یکبار که آنتونی کور می بوردند، یک چیزی دلیل بود... چه بخواهم چه نخواهم، آن سببیتی در نظر انتظاریست، من در حزب لیبستی من حزب می بود. من حزب لیبستی من حزب می بود... من قول بدهم می بدم. الان من ساله هستم آمده، خوب ما می گذاریم می پوریم. تا دیوه دیگر امتثال من می گذارند می بوردن بنورن. ولی طوری می شود که طوری پیش می رود که در زمان طایفه یک خانه نشین را، با یک جای جزئی را که می خواستند بگیرند، به نفر ساواکی

می خواستند و چهل تا از شهروانی، حالا قسم می خورم ده تا از سیه می آید. ده تا از شهروانی، بخواهم و نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، چه تا بخواهم، چه نخواهم، این موضوع پیش آمده. در حال کنونی است. در مقابل کسانی قرار دارید که خودتان اشاره کردید. یک نفر هست میبده است، ولی یکی هست هم چیر حالی این نیست. توی گوشش گردانده... یکبارید بگویم و بگویم، مطمئن باشید در یک جلسه بعد، در یک جلسه یا اشغالی ما همین غمخواران رو بروی هستند، بدانند آن موقع زمینه را

عوارض گسترش سازمان انقلابی و تحلیل آن (مستأخر)

فابیسیم دیدگاه و برخورد اصولی در این مورد چیست؟

در هفته قبل، راجع به مسأله ای که بوسیله یکی از وابستگان سازمان مجاهدین یعنی (محمد متحذین) ایجاد شده بود، ویرامون برخوردهای گوناگون نیروهای مرتجع و افرادی که برایشان شبهه ایجاد شده، برخورد بعضی از هواداران طالبی شان کردید. و در آخر اشاره ای نیز به مسأله موارخان یعنی سازمان انقلابی شد. در هفته قبل به نوع برخورد ما این مسأله اشاره کردید. بوالعجب به شرح نوع دیگری از برخورد ما این قضیه میبرداریم.

۱- برخورد اصولی: حال که مجاهدین کمی و شرکعت هر چه بیشتر افراد در سارخ می آید، ضروری است، چگونه باید با اشکالات مختلف آن بخصوص اشکالات احتمالی افراد وابسته برخورد کرد؟ پاسخ این سازمان را در محواری زیر بطور مفصّل نوشته خواهم داد.

الف - استوار کردن چهارمهارت: تشکیلاتی و شخصی کردن دقیق سلسله مراتب افراد در رابطه با سازمان و جدی صلاحیت آنها بطور فاعط و حدی سازمانی که به یک سازمان کتبی دست میزند. گزینی ندارد جز اینکه در مرکز خود عاری عناصر با کیفیت مطلوب و برخورداری از وحدت ایدئولوژیک و تشکیلاتی این سازمان باشد. عناصری که تحت عنوان اعضای سازمان شخصی می شوند، کسانی هستند که آموزشهای لازم را دیده و در دوران سولوبنیتهای تشکیلاتی و مبارزه اجتماعی پرورش یافته اند و بدین ترتیب صلاحیت آنها در جریان مبارزه محرز شده است.

البته خود این اعضا نیز در داخل سازمان، در طبقه و مدارای متفاوتی قرار میگیرند که متناسب با درجه صلاحیت ایدئولوژیک تشکیلاتی آنهاست.

بطور خلاصه افرادی عضو سازمان محسوب میشوند که ویژگیهای عام و خاص آنها در محتوای تشکیلاتی ذکر میشود.

خارج از این مرفعات و شخصی سمپاتها، وابستگان و طرفداران سازمان قرار میگیرند که هر یک به سبب سبب از آن حوزه عملکرد مرکب سازمان و کنترل دور میشوند یا بسزایی که از خطوط سازمان بیرونی کنترلی دارند. وحدت ایدئولوژیک تشکیلاتی آنها با سازمان ناممکن می آید و همین جهت متوجهاند (فصل هنوز نتوانستند) در سازمان حل شده و تابع ارزشهای آن گردند.

فردم گردانده برای رگاری، و شاخه حق باشد چندان حق. حداقل برای یک ساله دادین به جای میبرند دیگر از نشانههای گرم و زنده کشنده اطراف جاسوسخانه امپریالیستی نیست.

مجااهدین قدری به کیفیت برگردیم و بیضم شروع این نتایج است. از آن و به جهت بدهی است. کفتم که قبل از حمله توطئه ایستیک امپریالیستها، آماده با اندازه کافی تبلیغات کرد از دو هفته پیش تبلیغات برای بدین کردن مردم نسبت به مجاهدین بطور سیستماتیک و در سطح وسیع و سراسری صورت شد. ارتجاع که از شرکت فعال سازمان در مبارزه ضد امپریالیستی و حمایت از خطوط ضد امپریالیستی امام سرایسه شده بود و همچنین از هر خط میدید (چون هرگونه سازگاریش بر علیه مکرر و در هر فرد با آمیزگی و تمسین این مبارزه باعث تسلیم علاقه مند آنها افتاد می شد) بناچار دست به یک تهاجم سازمان یافته تبلیغاتی برد

فرد امپریالیستی و شمارهای گرم زنده کشنده جلوی سفلت برمیخواست خیری نبود. از دو هفته پیش به این طرف برخی عناصر متشکک حلق نظر میمانند که محور کارشان ضدیت با مجاهدین است. آنها هیچ امپریالیست علیه مجاهدین فریاد می کنند و گاه به طرز جنون آمیزی رکیکترین نیتها و نیتها را نشان میزنند. در این باره ما از دستخورد دیگری جز برای نام "صاحبنا سید احمد هاشمی زاده در باره سازمان مجاهدین خلق ایران" بود که نویسنده در آن مدعی شده "فلا" در کنار کافر مرکزی سازمان مجاهدین بود و ولی آنکس متوجه شده که آن بود دچار اشتباه بوده و حالا یکی واقعی خودش را (حزب حاکم) پیدا کرده است و سپس آنجا که در توان داشته مقدّمها و کیسودهای خودش را در قالب فحاشی و توهین به مجاهدین و حمل لاذع علیه ایشان حالی کرده است. این کتاب را دست راستهای سارخ در مقابل سارخ ضمن تمسین سازمان سازمان میفرستند - در جزوای که این روزها تحت عنوان "انگاری" چاپ و گاه بطور

عوارض گسترش سازمان انقلابی و تحلیل آن (مستأخر)

خصوصیات جامعه کینه و ایدئولوژی حاکم بر آن، حیات داده باشد، بلکه عقوبت او در قدم اول، به این معنی است که فرد مورد فقط در حد قابل قبولی با ارزشهای سازمان هماهنگی و وحدت دارد و سپس دلیل باید سترخا در دوران مبارزه ایدئولوژیک، انتقاد و انقاص از خود و جاسوسی قرار گیرد تا دچار حرکتهای خود بخوردی نگردد. تنها بدینوسیله علوی هسته اصلی تشکیلات حفظ شده و ارتقا می یابد.

نتیجه اینکه: سازمان در قبال عملکردهای غیر اصولی عناصری که خارج از چهارمهارت تشکیلاتی قرار دارند، نباید تمام و تمام ندارد. اینتر نیتها نباید تمام بخورند و حرکتها سیاسی - اجتماعی هواداران را به حساب سازمان گذاشت.

البته چه بسا در طول زمان این افراد ضمن شرکت در جریان آموزش، مبارزه، و برخورداری از صلاحیت لازم و تیز کرد و هر چه بیشتر به سازمان نزدیک شوند، اما در یک مقطع خاص باید شخصی باشد که در چه رابطه ای با سازمان است. آنها به اصطلاح در داخل چهارمهارت تشکیلاتی قرار دارد تا خارج از جزو هواداران است یا افراد وابسته و ... به ویژه این ساله باید شخصی شده باشد که چه کسانی نتوانند نشانگان واقعی سازمان از هر جهت باشند.

اگر این موارها روشن باشد، نسبتا سطح توقع واقع بینانه خواهد بود بلکه از هرگونه سوء تفاهات مردم و نیز سوء استفاده های ارتجاعی جلوگیری خواهد شد. در این جلسه و با اظهارات شخصی طرفداران، تا حق به حساب سازمان گذاشته نشود. زیرا مردم می دانند که برای آنتیانی یا دیدگاههای سازمان در هر مورد باید به نمایندگان واقعی و شناخته شده به انتشارات رسمی سازمان مراجعه کنند.

ب- عدم تقلت از آموزش سازمان ایدئولوژیک در داخل چهارمهارت طبیعی است. همینکه کفتم و وقتش فردی وارد سازمان شد و عنوان کردید. بدین معنی نیست که یکباره خود را از شرمه آثار و

انگازات خود در سراسر کشور بپوشاند. نسخه از آن اعلامیه ها و جزوات را تکثیر و میان مردم توزیع کردند. از فردی که کتاب "انگاری" نامت سازمان مجاهدین خلق" افتاد بر ضد امپریالیستها در جلوی سفلت سابق آمریکا میفریخت سوال شد: چرا این کتاب را اینجا میفریختی و باعث تفرقه می شوی؟ فرد بزرگتر متصری صادق ولی تا آنکه بود جواب داد: "من می دانم بدون این کتابها نمیتوانم قیلا" روزنامه انقلاب لیستی می فرستم و او این کتابها را نیز می فرستد. "و لا تفرقوا" را نیز می فرستد. "و لا تفرقوا" را نیز می فرستد. "و لا تفرقوا" را نیز می فرستد.

کانون تفرقه و تفرق را "چادر وحدت" نام گذارده اند.

یک ساد فرماندهی که نگران یک چادر واقع در جلوی سفلت است. حرکت دست راستی را سازمان میدهد نام این کانون تفرقه و تفرق را "چادر وحدت" گذارده اند. "و لا تفرقوا" را نیز می فرستد. "و لا تفرقوا" را نیز می فرستد. "و لا تفرقوا" را نیز می فرستد.

کانون تفرقه و تفرق را "چادر وحدت" نام گذارده اند.

یک ساد فرماندهی که نگران یک چادر واقع در جلوی سفلت است. حرکت دست راستی را سازمان میدهد نام این کانون تفرقه و تفرق را "چادر وحدت" گذارده اند. "و لا تفرقوا" را نیز می فرستد. "و لا تفرقوا" را نیز می فرستد. "و لا تفرقوا" را نیز می فرستد.

گروههای مردم برای اعلام هستی جلوی سفلت می آمدند. با آن بلندگو به میان اهل رفته تا به پناه نرفته فضاها و کشتار علیه آنها را جهت را دست کند. آنها به این ترتیب شمارها را از سر ضد امپریالیست سحر و بر ضد سازمان حس می دادند. پختن شایعات مفرمانه برای تحریک مردم از وظایف داخلی این گروه بود. یک بار شایع کردند که قرار است اسم مجاهدین نیز از داخل سفلت بیرون بیاید! فافل از اینکه اسم مجاهدین از داخل سفلت بیرون می آید ولی بخاطر اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکیلاتی سیا و دست نشانگان آنها و ... یکی دیگر از فعالیتها این چادر در ستر همان رالیتهای وحدت آفرین است. حرکت پاسداران مستتر در جلوی سفلت بر علیه آن دسته از نیروهای سازمان بود که به دنبال اعلام آماده باش و افراد بسیج امام شانه روز در کنار برادران پاسدار اعدام مستشارها و تلاش در جهت افشای تشکیلاتی سیا و دست نشانگان که خوشبختانه بخاطر برخورداری صمیمانه و حسن تفاهم موجود. از این

عوارض گسترش سازمان انقلابی و تحلیل آن (مستأخر)

هر سازمان انقلابی - همچنانکه تاریخ نشان میدهد - محور است. در موردی نیز به تشبیه برخی اعضا بعد از هر مرحله نوین از انقلاب با ضرورتها حدید که خلق میکند و کسب می نماید. برای اینکه ارتباطات کل می تواند ضرورت تشبیه برخی اعضا را در برداشته باشد. این تشبیه منکست محدود و در سطح یک با دو عضو باشد و با اگر تحول کیفی و حد حاصل باشد. تعداد بیشتری از اعضا را در بر گیرد. سازمان را در تاریخچه برترجه خود، در برهه گوناگونی با این تشبیهها و روبرو بوده و این ضرورت نیز داده است (تظیر تشبیه عناصر مراتب بعد از شریه سال ۵۲) و درست در برتو این تشبیهها و مبارزات ایدئولوژیک و سنوانت ارتقا بدینکند. و در موردی هم که قاطعیت لازم را در این زمینه تکرار می کرد. از این با بعدها تحمل کرده است. (به جزوه "نگ فلسفی و انگان انحراف" مراجعه شود) د - وظیفه اعضا وابستگان و نزدیک به سازمان:

۱- افراد وابستگان نزدیک به سازمان و خصوصاً اعضاء آن با نمایندند و پیانگ و ویژگیها و مواضع سازمان باشند. به همین جهت باستی تشکیلاتی در سمن حال که به ساروزه درون تشکیلاتی برای ارتقا خود آدانه میبدهم. بگوئیم تا رفتارها و گفتارهای ساروزه ما ارزشها و ارزشهای سازمان تطبیق باشد. در هر اینصورت خواه باخواه مواضع غلط ما به حیثیت تشکیلاتی لطمه خواهد زد.

۲- با باستی را بر سنوانت عظیم را بر دشمنان اساسی کنیم. چرا که حیثیت تشکیلاتی خود چون شهدا و نظیر آنهاست. در مقابل اشتباهات سازمان و موارخان، مخصوصاً تشبیهات سارک مجاهدین و افتادها و آنها را چنان تحریک نمائید که صلاحیتان را بجای آنهایی که صلاحیتون سلسان نشانه روند. اما اگر این جهان برینسانی حقیقت و حساب و کتاب آفریده شده پس قانونمدتها و سنتی های آن نیز لایق و دشمنانیدر است. بر طبق این قوانین پیروزی سنوانت متعلق به نیروهای انقلابی است.

۳- مواضع غلط ما به حیثیت تشکیلاتی لطمه خواهد زد. ۴- با باستی را بر دشمنان اساسی کنیم. چرا که حیثیت تشکیلاتی خود چون شهدا و نظیر آنهاست. در مقابل اشتباهات سازمان و موارخان، مخصوصاً تشبیهات سارک مجاهدین و افتادها و آنها را چنان تحریک نمائید که صلاحیتان را بجای آنهایی که صلاحیتون سلسان نشانه روند. اما اگر این جهان برینسانی حقیقت و حساب و کتاب آفریده شده پس قانونمدتها و سنتی های آن نیز لایق و دشمنانیدر است. بر طبق این قوانین پیروزی سنوانت متعلق به نیروهای انقلابی است.

۴- مواضع غلط ما به حیثیت تشکیلاتی لطمه خواهد زد. ۵- با باستی را بر دشمنان اساسی کنیم. چرا که حیثیت تشکیلاتی خود چون شهدا و نظیر آنهاست. در مقابل اشتباهات سازمان و موارخان، مخصوصاً تشبیهات سارک مجاهدین و افتادها و آنها را چنان تحریک نمائید که صلاحیتان را بجای آنهایی که صلاحیتون سلسان نشانه روند. اما اگر این جهان برینسانی حقیقت و حساب و کتاب آفریده شده پس قانونمدتها و سنتی های آن نیز لایق و دشمنانیدر است. بر طبق این قوانین پیروزی سنوانت متعلق به نیروهای انقلابی است.

۵- مواضع غلط ما به حیثیت تشکیلاتی لطمه خواهد زد. ۶- با باستی را بر دشمنان اساسی کنیم. چرا که حیثیت تشکیلاتی خود چون شهدا و نظیر آنهاست. در مقابل اشتباهات سازمان و موارخان، مخصوصاً تشبیهات سارک مجاهدین و افتادها و آنها را چنان تحریک نمائید که صلاحیتان را بجای آنهایی که صلاحیتون سلسان نشانه روند. اما اگر این جهان برینسانی حقیقت و حساب و کتاب آفریده شده پس قانونمدتها و سنتی های آن نیز لایق و دشمنانیدر است. بر طبق این قوانین پیروزی سنوانت متعلق به نیروهای انقلابی است.

۶- مواضع غلط ما به حیثیت تشکیلاتی لطمه خواهد زد. ۷- با باستی را بر دشمنان اساسی کنیم. چرا که حیثیت تشکیلاتی خود چون شهدا و نظیر آنهاست. در مقابل اشتباهات سازمان و موارخان، مخصوصاً تشبیهات سارک مجاهدین و افتادها و آنها را چنان تحریک نمائید که صلاحیتان را بجای آنهایی که صلاحیتون سلسان نشانه روند. اما اگر این جهان برینسانی حقیقت و حساب و کتاب آفریده شده پس قانونمدتها و سنتی های آن نیز لایق و دشمنانیدر است. بر طبق این قوانین پیروزی سنوانت متعلق به نیروهای انقلابی است.

۷- مواضع غلط ما به حیثیت تشکیلاتی لطمه خواهد زد. ۸- با باستی را بر دشمنان اساسی کنیم. چرا که حیثیت تشکیلاتی خود چون شهدا و نظیر آنهاست. در مقابل اشتباهات سازمان و موارخان، مخصوصاً تشبیهات سارک مجاهدین و افتادها و آنها را چنان تحریک نمائید که صلاحیتان را بجای آنهایی که صلاحیتون سلسان نشانه روند. اما اگر این جهان برینسانی حقیقت و حساب و کتاب آفریده شده پس قانونمدتها و سنتی های آن نیز لایق و دشمنانیدر است. بر طبق این قوانین پیروزی سنوانت متعلق به نیروهای انقلابی است.

۸- مواضع غلط ما به حیثیت تشکیلاتی لطمه خواهد زد. ۹- با باستی را بر دشمنان اساسی کنیم. چرا که حیثیت تشکیلاتی خود چون شهدا و نظیر آنهاست. در مقابل اشتباهات سازمان و موارخان، مخصوصاً تشبیهات سارک مجاهدین و افتادها و آنها را چنان تحریک نمائید که صلاحیتان را بجای آنهایی که صلاحیتون سلسان نشانه روند. اما اگر این جهان برینسانی حقیقت و حساب و کتاب آفریده شده پس قانونمدتها و سنتی های آن نیز لایق و دشمنانیدر است. بر طبق این قوانین پیروزی سنوانت متعلق به نیروهای انقلابی است.

۹- مواضع غلط ما به حیثیت تشکیلاتی لطمه خواهد زد. ۱۰- با باستی را بر دشمنان اساسی کنیم. چرا که حیثیت تشکیلاتی خود چون شهدا و نظیر آنهاست. در مقابل اشتباهات سازمان و موارخان، مخصوصاً تشبیهات سارک مجاهدین و افتادها و آنها را چنان تحریک نمائید که صلاحیتان را بجای آنهایی که صلاحیتون سلسان نشانه روند. اما اگر این جهان برینسانی حقیقت و حساب و کتاب آفریده شده پس قانونمدتها و سنتی های آن نیز لایق و دشمنانیدر است. بر طبق این قوانین پیروزی سنوانت متعلق به نیروهای انقلابی است.

ممكن است در آینده باز مرتجعین بفرق " ضرورت " خلع سلاح مردم بیفتند

بسیاری از مدافین خلع سلاح را مات کرد. و منت محکمی بود بردهای این مرتجعین که هرگاه زمام امور را بدست گرفتند قتل از هر چیز، سرکوب و خلع سلاح ضروری انقلابی را در دستور کار قرار دادند. همانها که همزمان با تعیین مجازات اعدام برای انقلابیون سلاح را سرمایه داران فراری و مزدوران امپریالیسم دعوت به بازگشت به معین کرده و برای ادامه غارت و سلطه آنها زمینهای شرعی (کلاه شرعی) و گریزگاههای قانونی و غیر قانونی دست و پا میکردند. بدیهست که همزمان با توالی این اقدامات ظاهراً بیرون (سرکوب انقلابیون و دعوت غارتگران) تضادین نیست بلکه دقیقاً لازم و ملزوم یکدیگرند.

باز نمایی ندارد که بعد از اوجگیری مبارزه ضد امپریالیسم خلق ایران، آنها لب فرو بسته و در لانه خزیدند.

گرچه ماهیت این عناصر برای افراد آگاه روشن بود اما برای بسیاری افراد ناشناخته بود و هست.

فرمان امام حنی بپشتن ارتش
۲ میلیون نفی پتلان دعای
مرتجعین را ملاحظه

با اینحال بخاطر عملکردهای ضد مردمی آنان توانستند واقفیت خود را برای همیشه منکوم دارند، هم چنانکه جهرة واقعی بسیاری از این مرتجعین از پس همه اسامی پانتهای و انقلابی ناشایستشان آشکار شده همان جهرهائی که تنها بعد از پیروزی آنها برای سبوقفیتی از دستاوردهای انقلاب مدعی انقلاب شدند و به این دره مبتلا گشتند. ولایت درد و سنجی که صرفاً با سرکوب پستانزار راه خدا و خلق در مان میشود، نه با مبارزه بر علیه امپریالیسم و مزدوران حاکمانگار و غارتگران!

پله ای این درست است که فرمان سبج امام بپتلان دعای و اقدامات این جماعت را اثبات کرد اما باز هم بی نهایت نیست که مومسگری سازمان را در مورد خلع سلاح به اطلاع مردم برسانیم زیرا:

اولاً: هشدارى مردم و نیروهای نزدیکوار و افزایش اراده و نتیجتاً زمینه ایگونه آوار و اقدامات ضد انقلابی را محدود می سازد، بخصوص که هیچ تشویق وجود ندارد که در آینده نیز دست اندرکاران کذافی مجدداً بفرق " ضرورت " خلع سلاح مردم بیفتند.

ثانیاً: اگر تا چندى پیش موضع گری را در قبال سلب سلاح خلق کمتر قابل بود (مداخلت در سطوحی) اما اکنون که سازمان امپریالیسم و لزوم سبج و آمادگی نظامی ملت روز شدت است، مومسگری ما از یک پشتوانه حتمی و میلی بر سر خوردار است. بمبارت دیگر از آنجا که خلق با آشکارا خود را با دشمن اصلی روزی می بیند، پیش از پیش حفاق مربوط به سلب سلاح را لس خواهد کرد.

ثالثاً: هواره مرتجعین مذبحان تلاش می کنند که با انواع اتهامات و فحاشی ها، مجاهدین را منزوی کنند. حتی در هنگامیکه ما اساسی ترین سبایع انقلاب سبج است و مجاهدین بدلیل مسئولیت های انقلابی سبج ترین سبایع انقلاب سبج است و ما می بیند، مرتجعین ما از چشم به " قزندی " می کنند و از جمله در همان بولج از تمام سائلی که اول مقاله آمد و طبق آن خلع سلاح را چه سبج مانی شرعی و چه بلحاظ اصول انقلابی صحیح ندانیم لازم است قطع کنه در مورد همین اوضاع و احوال مشخص بیان کنیم.

۱- خلع سلاح مردمی که حمایت و حفظ دولت را وظیفه خود می دانند و همینطور نیروهای انقلابی و مردمی، چیزی جز تضعیف دولت بدست خودش نیست. موقتی که نیروها و مردم با دولت سر جنگ ندانند سبج سلاح در دست آنان باعث تقویت و استحکام دولت می گردد چرا که ما به هیچ وجه

در شماره گذشته شماری از دردهای برادر مجاهدین را در دسترس نیندیم. از در نامائی نوشته بود که: سالان دراز سین ما و شجاعت جدایی انداخته بودند. ولی اکنون بعد از پیروزی انقلاب لازم است که ما در سبج سبج مردمی دست در دست بگذریم در جهت نابودی کلبه سبج امپریالیسم اقدام نماییم. سپس مقداری از درویشی های مختلف خدمت در ارتش صحت نموده بود، نوشته بود که چگونه در دوران آموزش در آمریکا به تحذیرترین وحشی بود تحذیر آمریکاییان ترار می گرفتیم و آموزشی که روزانه ۵۰ دلار برای هر نفر از دسترخ خلق سبج سبج خرج می شد، آموزشی که کوچکترین نتیجه مثبتی نداشت ۱۱ هزار دلار سبج از آمریکا مجدداً در اینجا آموزش می گذاشتند تا جبران مافات شود. و گفته شد آموزش را یاد بردند؛ شش ابریشها و مودت را برای اینست که ما و همسایه، شایستایین توانیم ستوافق برسم والا موجوداتان چندان نازی نبودند در دست بدی از یک کنگرزی ستشاران در ایران از طریق گرفتن انواع و اقسام امتیازات و حقوق که با بهترین افراد آنها که قتل ارتش تریلی بود ۲۵ هزار تومان حقوق می گرفت سبج سبج شده بود.

در خانه سبج از تازه های روابط امپریالیسم آمریکا با ایران و کوچکترین فروش کالای سبج ما را و نحوه، قرار دادها که همه در جهت غارت سبج و اموزش دادن ستشاران نظامی خلاصه سبج اشاره گردیده بود و یک بقیه مطالب:

درویشی و زوجه شاهد بودن حاکمیت بی چون و چواری ایشان بر نیروی هوایی، در عین بی کفایتی و بدست لیاقت آنان بود، و یکبار برای تحویل گرفتن چند قطعه که مدت ها بود درخواست کرده بودند هنوز تحویل داده نشده بود، به همراه یکی از همین ستشارا راهی لاسحتکی شدیم. چندان سبج از آن کلبه ها که می دیدیم، ابر بود دراز گریب در اختیار امپریالیسم و حتی یک ایرانی نیز در آنجا حضور داشت. پیدا کردن وسایل و موزیر به تخریبی نیاز داشت که علمبرگ مجرم بود نشان به اسلاید

در آینده از تهاجم امپریالیستها و آردی آنان صون نستیم و حتی تحریک انقلاب خودمان نیز ثابت کرد است که تنها نیروی قابل اعتماد برای مقاومت در برابر دشمن، خودهای مردمند، بنابراین دولت با گرفتن سلاح از دست مردم پشتیبانان واقعی، اساسی خود را کنار می گذارند، بخصوص اهمیت از امر موقتی و موقت می شود که به خیل ضد انقلابیون مسلح، که با سبج شاه مافوق خود را از دست داده اند و هر لحظه فرصت مناسبی برای ضربزدن هستند توجه کنیم.

۲- نوع روابط نیروها با یکدیگر اساساً سلبامی سیاسی است. بطور مشخص اگر مردم و گروهها تشخیص دهند که تنها راه احقاق حقوقشان در رابطه با دولت حاکم استفاده از سلاح است وقت هیچ نوع تصبیق و کنترل و حتی جرمه و خنکانه و اعدام هم

از شورای انقلاب تقاضای کنیم که سلاحهای سازمان را که دادستان قبلی تهران بدون هیچ مجوز اسلامی و انقلابی توقیف کرده بمانی گرداند.

اکنون پس از این مقدمه به بحث اصلی می پردازیم:

هنوز شش ماه از قیام بهمن ماه نگذشت است که مقامات و مراجعی خواستار خلع سلاح عمومی شدند. سرمنظر از تمام سائلی که اول مقاله آمد و طبق آن خلع سلاح را چه سبج مانی شرعی و چه بلحاظ اصول انقلابی صحیح ندانیم لازم است قطع کنه در مورد همین اوضاع و احوال مشخص بیان کنیم.

۱- خلع سلاح مردمی که حمایت و حفظ دولت را وظیفه خود می دانند و همینطور نیروهای انقلابی و مردمی، چیزی جز تضعیف دولت بدست خودش نیست. موقتی که نیروها و مردم با دولت سر جنگ ندانند سبج سلاح در دست آنان باعث تقویت و استحکام دولت می گردد چرا که ما به هیچ وجه

نامه یک همافرو به نشریه مجاهد

کلیه تجهیزات لازم طبق معمول از توان آنها خارج بود. سرانجام خود موفق به یافتن آنها شدم. نامدتها از اینکه این جزئیات را خودخواهی و غرور از انجام ساده ترین و کوچکترین کارها اجازت، و در عین حال هواره خود را با تحمیل می کنند، شدیداً دچار ناراحتی و عذاب روحی بودم. شاید بهین دلیل بود، هنگامیکه نامدتها بنابر مشورته معمول به محض مشاهده ایرادی جزئی، تصمصم داشت دستگاه مهم و ارزشمندی را که هزارها دلار ارزش داشت، عوض کند، از همه چیز گذشته و جلوی او ایستاده و با این در مخالفت کردم. بدور انداختن وسیله موزیر به منی خرید دوساره همان وسیله از آمریکا بود. بنا بر تشریح می دانستم، اشکال دستگاه فقط در زمانی که در آن زمان در دسترس ما به ۲۵۰۰ تومان در سال هم نمی رسید. در خطی از نظام سبج ما از تری ارتش و وسیره نبود و به از، هر چند ریزه ریزه یک برشک هم وجود نداشت و بسیاری از کودکان میهن ما دچار انواع بیماریهای ناشی از سوزنده بودند. تازه این کافی بود که بطور رسمی دریافت میگردند، در کنار این حقوقهای گرافاز کلیه امکانات رفاهی و انواع تفریحات هلنگی و ماهانه و سالانه نیز منقطع و خردوار بودند. در بهترین و خوش آب و هوایترین نقاط ایران صاحب خانه ها و ویلاهای متعدد بودند، در ریانه ها، ناهارخوری جداگانه داشتند که غذای آنها از آمریکا می آمد. در پایگاههای جاسوس نظیر " کیکان " شهید که اساساً در آنجا از ایرانی خیری نبود، دارای سینههای جداگانه (مخصوصاً متاهلها، مردها و...) بودند، خوراک و کلبه و وسایل زندگی آنها مستقیماً ماهوایی C-130 از آمریکا فرستاده می شد. و هیچگونه سامنتی ما از انجام بدترین کارهای ایشان عمل نمی شد، مراکز جاسوسی دیگری نظیر انجمن ایران و آمریکا هافردت مدت یکبار برای آنها تورهایی سازمانی می گذاشت و کوبن اسکی برایشان صادر میگرد. سابقات

موفق به پیدا کردن راه حل تفاهم آمیز نشود علت آنرا باید در ماهیت آن جستجو کرد. روشن است که روشهای نظامی برای حل چنین مشکلاتی نتوانه هیچ کمکی به حل آنها نمایند بلکه تشدید آن نشان میگردند استفاده از این روشها چندان بی فایده نبود و سبج مانی غلطی آنهاست.

سبج مثال گروههای چپرونی را در نظر بگیرید که بخوانند با رژیسی که مورد حمایت مردم است مبارزه سلطانه بکنند. طبعی است که پشتیبانی نخواهند داشت. زیرا استفاده از سلاح بر علیه رژیم حاکم در حالی که شرایط عینی وجود ندارد و بوزیر در شرایطی که سبج موزیر پایگاه بردهای دارد، نه تنها نتیجه بخش نبوده و برای رژیم تهدید جدی به حساب نمی آید، آنها را به اسلحه حالت می دهد و

اراده خلاق انسان را که سبج کننده و تسخیر کننده امکانات می باشد نادیده می گیرند، در واقع از توحید عدول کرده اند

بلکه پیش از هر چیز باعث انزوا و تنگت همان گروههای چپرو خواهد شد.

در اینجا لازم است به دویر خود که علمبرگ تمام تقاضاهای راهبردی و وجه انحرافی است که در محورهای خود متمرکز نظامی (میلتانستی) را اصل می گرداند اشاره کنیم. این نوع فکر (سبج مانی) را که امکانات (در اینجا اسلحه) اصالت میدهد و اراده خلاق انسان را که سبج کننده و تسخیر کننده امکانات است بیخ تحت الشعاع قرار میدهد، خروج از توحید محسوب میشود. البته برخی جناحها و دستجات وابسته به سبج مانی تصور می کنند اگر سلاح را از دست مردم و گروههای انقلابی بیج آوری کنند امکان نهای سلبگری را برای خود بوجود آورده و با اصطلاح سلبه سیاسی خود را نیز می یابند.

متعدد برای ملاً " نظامیان " باز نشسته مقیم ایران از جمله سرگرمیهای آنها بود. کنار دیوارهای زندان اوین نمیتوانستند ایستادند و به است سوار و تصد اعصاب متخولند و همه اینها لابد برای اطمینان فراغت از فشار ناشی از شدت کار بود. برای کمک هزینه هم ماشینهای در اختیار آنها قرار میدادند که پس از ارسکال اجازه داشتند آنها بفروشند یا به کلیه برادر فساد رفعتا" رفتار و آمد مکرر داشتند. دفترهای تلفن ایشان بود و ارشامه تلفن های مراکز این جنبی بود. و همیشه با دستشویی دولتی دانستگ ها و مجالس رفیق... بودند. بگفته متوجه میشدی که مدت بگفته است که از یکی از حفارت خیرت نمیت. کاشف بعمل می آمد که ایشان با دادن هدیه و کادو، جناب فرمانده را خرید و به تفریح و استراحت مشغول است. گرچه هنگامیکه در پایگاه حضور داشتند نیز ساعات کارشان ملاً از ساعت یک تا سه بعد از ظهر تجاوز نمی کرد.

یکبار برای رفاه ایرادی در هوا- میمانی که ضرورتاً باید تریوز بود. نماز بپوشد یکی از آنان پیش آمد، نموعاضی شب بالاخره توانستیم در آقا را در کاره با کارا پیدا کنیم. مشکل ما با داشتن کلبه کسدی که دستگاه های لزم و مورد نیاز در آن کلبه داری میشد قابل حل بود، ولی سبج این بود که ایشان بعلت سبج فوق العاده از بی نظری محل کلبه کسدی مربوطه عاجز بودند. هنگامیکه بعد از کلی خاروت و غیب انفرادی کلبه، به فرمانده شکایت کردیم، مگر به قول معروف استانی شد، با ختمیافتت البته هنگامیکه با ایستادگی میسر می شد میان بود هیچگونه سهل انگاری روا نمیگشت. در خطی در کارها موجود نشدند. ملاً هنگامیکه جنگ و پنتام در جریان بود، هوا میبایستی قانونم ایران، بدون کوچکترین تنگت و تسخیری در بر نامه، بکت رژیم دست نشانده و پنتام مسنافت. و با در جریان سرکوب انقلابیون نشان بر ستشارا به تلاش سازمانی سبج سبج بودند. بدیهی است که این روش بدون کمک ضد اطلاعات نموناست انجام میگرد.

۲- برای جلوگیری از هر چه چور و آتارشم، بایستی برای حل و نگهداری سلاح فوالبی دقیق تصمیم گرفت و فاطمان آن را اعمال نمود. ولی در عمل آنجا که ما به مربوط می بود از نظر نظامی خودمان دفاع خواهیم کرد و نظای می کنیم، از طرف نظام و مذاکره، نظر دولت و مقامات مشول دیگر را نیز خلبکنیم و در این راه هیچگونه بذل کوشت درخ خواهیم کرد. و نیز با توجه به تمام مطالب مندرج در این مقاله و با تمام هشدارهای ما در مورد حضور امپریالیسم و وجود ابادی سلاح رژیم سابق که سبجها دیگر یک نبرد مرگ و زندگی با آنها بود، امید و مصیطرو با توجه به ارزش تجارب نظامی - تکنیکالی که در پیش یک مبارزه فوالبی مکتبی توسط مجاهدین خلق کسب شده است و حفظ و استراحت و اول انقلابیان سبج استفاده از است. این اعتقاد را برای خود حفظ خواهیم کرد. خلق خلع مجاهدین خلق بنیاب خنات به قرآن و خنات به خلق می یابند. و نیز همانگونه مربوط به خلق سلاح در قبال کردیم نمی توانیم از مسئول خواستار اتخاذ تدابیری در این مورد هستیم و نیز نسبت به مشکلاتی که بر سر راه افتاع شامی افراد وجود دارد واقفیم. افرادی که سبجها در دوران رژیم آریامهری حسی لطفی از سلاح خود دور داشتند و اراده خود را در راه خدمت بخدا و خلق در انتظار آدمی رویارویی سلطانه با دشمن صفی زده و صلاحیت خود را از آنجا که در جریان عمل دراز مدت کسب کرده اند باور دارند. افرادی که در کنار برادران فلسطینی خود در سن امپریالیست را با تمام وجود لمس کرده و نسبت به اینکه امپریالیسم آمریکا خلق ما را بحال خود رها کند سخت ناوارند، افرادی که...



اسناد و مدارک امیرالمسلم آمریکا را افشا کند

متن کامل قرارداد ادهیبت مستشاری نظامی آمریکا در ایران

بافتراستان اسناد برای افشای مازایاری کنید

MILITARY MISSION TO IRAN



Article 1. If any member of the Mission, or any of his family, should die in Iran, the Government of Iran shall be the sole responsible party for the funeral expenses of such member in the United States of America as the surviving spouse of the said member, or the next of kin of the said member, shall be deemed to be the beneficiary of the said member's estate. The Government of Iran shall be responsible for the funeral expenses of such member in the United States of America as the surviving spouse of the said member, or the next of kin of the said member, shall be deemed to be the beneficiary of the said member's estate.

۱- هر یک از اعضای مأموریت نظامی آمریکا در ایران یا هر یک از اعضای خانواده او در ایران فوت نماید، دولت ایران مسئول تمام هزینه های تدفین و خاکسپاری او در ایالات متحده آمریکا خواهد بود. دولت ایران مسئول تمام هزینه های تدفین و خاکسپاری او در ایالات متحده آمریکا خواهد بود.

Article 2. If a member of the Mission becomes ill or suffers injury, or death, as the result of the performance of his duties in Iran, the Government of Iran shall be responsible for the medical expenses of such member in the United States of America as the surviving spouse of the said member, or the next of kin of the said member, shall be deemed to be the beneficiary of the said member's estate.

۲- اگر هر یک از اعضای مأموریت نظامی آمریکا در ایران به واسطه انجام دادن وظایف خود بیمار شود یا زخمی شود یا فوت نماید، دولت ایران مسئول تمام هزینه های درمان و جراحی او در ایالات متحده آمریکا خواهد بود. دولت ایران مسئول تمام هزینه های درمان و جراحی او در ایالات متحده آمریکا خواهد بود.

مستشاران آمریکا تا روز بعد از مرگ هم حقوق می گیرند

Article 3. In the event of the death of any member of the Mission, or any of his family, the Government of Iran shall be responsible for the funeral expenses of such member in the United States of America as the surviving spouse of the said member, or the next of kin of the said member, shall be deemed to be the beneficiary of the said member's estate.

۳- در صورت فوت هر یک از اعضای مأموریت نظامی آمریکا در ایران یا هر یک از اعضای خانواده او، دولت ایران مسئول تمام هزینه های تدفین و خاکسپاری او در ایالات متحده آمریکا خواهد بود. دولت ایران مسئول تمام هزینه های تدفین و خاکسپاری او در ایالات متحده آمریکا خواهد بود.

عوامل سیارا در ایران افشا کنید

آقای تامپس اکتون کجاست؟

آیا مردم حق ندارند از محل اختفای او آگاه باشند؟

آنجی که در این شماره اقدام به انتشار آن کردیم، اسنادی از فعالیت و روابط عوامل سیا در ایران است. ما منظور گسترش آگاهی خلفان نسبت به امپریالیسم و عمل-گردهای آن اقدام بیجاپ این اسناد کردیم.

التمس اینطور که می گویند: تمام پرونده های موجود در آرشیو ساواک سلطنت آباد، دست نخورده باقی مانده و گویا اداره ساواک قلاگاه ادارات تابعه نخست زبیری بوده و در حال حاضر نیز در نخست زبیری امنیت کامل چندین هزار نفری مأمورین ساواک در داخل و خارج از ایران موجود است.

می گویند: لیست کامل گزارشتهای پرونده های سری و فوق سری، لیست کامل مأمورین سیا در ایران و حتی در خاورمیانه تماماً چه بصورت میکروفیلم و چه بصورت نوارهای کامپیوتری صحیح و سالم موجود است.

راستی آن مطالبی را که میگویند دست نمانده و اگر... چرا در جهت افشای آنها اقدامی نمی کنند؟ در خصوص شراکتی که ملت از افشای اسناد جاسوسان امریکا توسط برادران دانش جوی پیرو امام اینگونه استقبال می کنند و با توجه به زمانی که این برادران برای تهیه یک سند منحل می شوند و این سؤال باقیست که چرا بعضی در حالیکه روی کوهی از افشای اسناد «خوابیده اند» در جهت افشای آنها اقدامی نمی کنند.

آیا مردم حق ندارند این را کفایت کند که یک نفر آنها و فرزندانشان را شکنجه داده و به زندان انداخته اند؟

... بدانند؟ آیا مردم حق ندارند جاسوسی را که یک ملتک ما سالها نیول آنها بوده شکنجه دادند؟

مطلب سوم آنکه... یکی از جاسوسانی که در جریان افشای لانه جاسوسی نوانست همراه با کاردار از وزارت فرار کرده و به وزارت امور خارجه برود فردی است بنام ویکتور (Victor J. Tamsel) ایشان قلاً سرکنسول امریکا در شیراز بوده و از اواسط سال ۵۵ در آن بوخی بخدمت او مشغول بوده است.

ما در چند شماره قستی از فعالیتها و روابط وی در شیراز، اهواز، سبستان و بلوچستان را نقل می کنیم. در این شماره به نحوه شروع کار وی در شیراز و اقدامات او در سبستان و بلوچستان را نقل می کنیم و آمده به تفصیل از وظایف او و سبب فرار او.

آیا مردم حق ندارند نام کسانی را که یک عمر آنها و فرزندانشان را شکنجه داده و به زندان انداخته اند... بدانند؟

رئیس امور بندری آب و برق خوزستان تبعه امریکا!

جناب آقای...
محل خدمت: ...
تاریخ: ...

سرمایه دار، تصواتی بازرگانی، خزانه دار باشگاه لاینز، عضو هیئت مدیره انجمن ایران و آمریکا و انجمن شهر شیراز

جناب آقای...
محل خدمت: ...
تاریخ: ...

عضو هیات انجمن کسول امریکا

جناب آقای...
محل خدمت: ...
تاریخ: ...

کتابخانه

کتابخانه تخصصی...
محل: ...
تاریخ: ...

